

تلمیح در غزلیات شمس تبریزی در تطبیق با تشبیه در شمایل‌نگاری مذهبی قاجاری

چکیده

کاربرد آرایه‌ها یکی از عناصر زیبایی‌بخش در شعر و هنر فارسی است. مبادی و سرچشمه‌های فرهنگ ایران زمین از دیرباز آکنده از اعتقادات، باورها، عقاید عامه، علوم قدیم، فرهنگ‌های قومی، جهانی، فرا جهانی و مشترک بوده است که عصاره آن‌ها در لابه‌لای دواوین شاعران و آثار هنرمندان با عنصر تلمیح و تشبیه متبلور شده است. کلیات شمس نیز به دلیل آشنایی مولانا با قرآن مجید و آیات و شخصیت‌های قرآنی و داستانی و فرهنگ‌ها سرشار از تلمیحات نوع به نوع اعم از داستان‌ها، افسانه‌ها و تلمیحات ایرانی و مشترک و آیات و احادیث و... است. شمایل‌نگاری نیز از هنرهایی است که در آن میتوان آثار تشبیه و مضامین مذهبی را مشاهده کرد و دوره قاجار یکی از ادوار رونق شمایل‌نگاری مذهبی است. یافته‌های این پژوهش، که به شیوه کتابخانه‌ای و به روش تحقیق توصیفی انجام یافته است نشان می‌دهد مولانا تلمیحات متنوعی در اثر خود به کار برده است که در این تلمیحات طبقه‌بندی شده به صورت تلمیحات ششگانه آیات و احادیث و ارسال و المثل تلمیحات اسلامی و عربی، تلمیحات ایرانی و مشترک، تلمیحات اعتقادی، تلمیحات عامه، نادر و مسامحه‌گرانه موجود است.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین و استخراج انواع تلمیحات غزلیات شمس تبریزی.
۲. بررسی عنصر تشبیه در شمایل‌نگاری مذهبی قاجار و تطبیق آن با تلمیح در غزلیات شمس تبریزی.

سؤالات پژوهش:

۱. انواع تلمیح در غزلیات شمس چگونه انعکاس یافته است؟
 ۲. در شمایل‌نگاری مذهبی دوره قاجار از چه تشبیهاتی استفاده شده است؟
- کلیدواژه‌ها:** تلمیح، غزلیات شمس تبریزی، تشبیه، شمایل‌نگاری مذهبی، دوره قاجار.

مقدمه

شمایل‌نگاری نوعی نقاشی است که می‌توان آن را کوششی در هنر نقاشی اسلامی- شیعی ایران دانست. شمایل‌نگاری از نظر ادبی به معنای توصیف تصاویر است. این هنر در عصر صفویه و قاجار به اوج خود رسید. شمایل‌نگاری در ایران ویژگی‌های خاص خود را دارد. این ویژگی این هنر را از آن در دیگر نقاط جهان متمایز می‌کند. کاربرد تشبیه یکی از این ویژگی‌ها است. گاهی مولانا در غزلیات شمس بعضی از این تلمیحات سربسته و رمز دار را به مرادش شمس تبریزی نسبت داده است و او را موسی وقت و یوسف زمان خود و خود را نیز هارون و یعقوب و ... خطاب کرده است. "چشمزد" یا "تلمیح" به تقدیم "لام" و "میم" و بعضی میم را مقدم دانستند. در لغت به معنی سبک نگاه کردن به چیزیست و تلمیح در لغت نمک کردن در چیزی و آوردن چیز ملیح و سخن ملیح گفتن (شمیسا ۱۳۶۹: ۵) به گوشه چشم اشاره کردن (همای، ۱۳۵۴: ۳۲۸) و لمح جستن برق باشد و لمحّه یک نظر است (قیس الرازی، ۱۳۷۲: ۳۲۵). از تعاریفی که در مورد تلمیح در علم بدیع شده است می‌توان استنباط کرد که "این صنعت چنان است که متکلم اشاره می‌کند در کلام خود به قصه یا آیه یا شعر یا حدیث مشهوری" (نجفقلی میرزا: ۸۸). از سوی دیگر، اشاره به داستانی در کلام است در دو ژرف ساخت تشبیه و تناسب دارد" زیرا اولاً ایجاد رابطه تشبیهی بین عین مطلب و داستانی است و ثانیاً بین اجزاء داستان "تناسب" وجود دارد (شمیسا، ن: ۱۳۶۹: ۹۰). تلمیح از صنایع معنوی بدیع است و در واقع عصاره معلومات و افکار شاعر به شمار می‌آید که در اشعار مولانا به وفور یافت می‌شود و به اوج خود رسیده است. در واقع می‌توان گفت که تلمیح و هنر دو روی یک سکه‌اند که شاعر با آوردن آن در اشعار خود آفرینش هنر می‌کند و نه تنها بر سرمایه فرهنگ اثر، جامعه بلکه بر عمق موسیقی معنوی آن می‌افزاید و خاطراتی که به منزله ثمره حیات بارور او در برخورد با افسانه‌ها یا واقعیت‌های عینی روزگاران گذشته یا عصر خویش است در لابه‌لای اشعارش به صورت رمزآلود و سربسته با اهداف موردنظر خود جهت آشنایی زدایی روایی و بلاغی ماندگار می‌سازد. از آن جاست که سخنورانی پند آفرین چون مولانا که سروده‌های خویش را با مایه‌ها و لایه‌هایی از نگاره‌ها و انگاره‌های شاعرانه پی در پی و توی در تو، ژرفی و شگرفی می‌دهند. از این آرایه‌ها بهره بسیار بردند برخی از داستان‌ها، افسانه‌ها و اداب و رسوم اعراب و هندیان نیز در این صنعت راه یافته که در زمره تلمیحات اسلامی و ایرانی و غیر ایرانی و عامه و ... گنجانده شده است.

هدف از این تحقیق، تبیین و استخراج انواع تلمیحات غزلیات شمس و بررسی آن که دربر گیرنده قسمت عظیمی از اندیشه‌های مولانا بوده، بدیهی است با این بررسی می‌توان ذهن و زبان شاعر را که مطابق یافته‌های پژوهش، که به صورت تلمیحات ششگانه اعم از آیات و احادیث و ارسال المثل، تلمیحات اسلامی و عربی، تلمیحات ایرانی و مشترک، تلمیحات اعتقادی، تلمیحات عامه و تلمیحات نادر و مسامحه‌گرانه که با استناد به تفاسیر و کتب معتبر کشف و بسط شده است، احیا کرد و مسیر را برای تحقیقات بعدی هموار ساخت. تطبیق کاربرد این عنصر با عنصر تشبیه در شمایل‌نگاری دوره قاجار است.

در زمینه تلمیحات تا به امروز تحقیقات زیادی صورت گرفته و در کتب و مجلات علمی و ادبی به چاپ رسیده است. محمد حسینی مقاله‌ای تحت عنوان «تلمیحات پیچیده و راز آمیز در مثنوی معنوی» نگاشته است. بدری قوایی مقاله «تلقی هنر مولوی از قرآن و حدیث در کلیات شمس» را نوشته است. در رابطه با عنوان این پژوهش در راستای موضوع بررسی انواع و اهداف تلمیح در کل غزلیات شمس تبریزی تا زمان نگارش این پژوهش تحقیق جامع و اثر مستقلی نگارش نیافته است و جنبه بکر و تازگی موضوع بی سابقه و مورد تایید است. در ادامه پژوهش صورت گرفته بر مبنای طبقه‌بندی انواع تلمیح ششگانه و اهداف مولانا با استناد به تفاسیر و کتب معتبر به بررسی موضوع می‌پردازد که بی سابقه است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های مابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

نتیجه‌گیری

کاربست آرایه‌های ادبی و هنری کی از مختصات ادبیات فارسی است. بررسی آثار شاعران و ادبا و هنرمندان ایرانی تاییدی بر این مدعاست. در این میان شمس تبریزی به عنوان یکی از شاعران بزرگ ایرانی در آثار خویش به وفور از آرایه‌های ابدی و به خصوص تلمیح بهره جسته است. تلمیحات در برگزیده قسمت عظیمی از اندیشه‌های شاعر است که کلیات شمس به صورت تلمیحات ششگانه اعم از آیات و احادیث، تلمیحات اسلامی و عربی، اعتقادی، تلمیحات ایرانی و مشترک، تلمیحات عامه، تلمیحات نادر و مسامحه‌گرانه طبقه‌بندی از هم متمایز شده‌اند و با اهداف خاص مولانا چون اظهار معلومات، ایجاز، اغراق، معنی آفرینی و تلمیح تمثیلی و ... در تلمیحات ساده و مبتذل با شگردهای شاعرانه خود به صورت روایی و بلاغی تصرف کرده و تلمیحات پیچیده و هنرمندانه‌ای آفریده است و در غزلیات شمس هنرمندی‌های افکارش در کوزه‌ای تنگ از واژگان به نمایش گذاشته است که خود بیانگر وسعت اطلاعات مولانا و کلام گیرنده اوست و همین امر بر اعجاز سخن مولانا که دنباله سخنان شاعران خراسان و تحت تاثیر آنهاست افزوده و او را از شاعران دیگر متمایز کرده است. در کنار آثار ادبی، در نزد هنرمندان و آثار آنها نیز شاهد کاربرت آرایه‌ها هستیم. در این میان، آرایه تشبیه یکی از رایج ترین این آرایه‌ها است. در شمایل‌نگاری مذهبی دوره قاجار نیز از تشبیه به وفور استفاده شده است.

منابع

- آژند، یعقوب. (۱۳۸۵). نمایش در دوره صفوی. تهران: فرهنگستان هنر.
- اجلالی، امین پاشا. (۱۳۶۹). توضیح نکات ادبی و عرفانی و اشارات قرآنی و احادیث در مثنوی مولوی (دفتر اول)، تبریز: دانشگاه تبریز.
- احمدنژاد، کامل. (۱۳۷۲). فنون ادبی، تهران: پایا.
- اردشیری، سمیه. (۱۳۸۶). "فرهنگ تلمیحات در کلیات شمس تبریزی از غزل ۱۰۰۰-۱"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران مرکز.
- بلعمی، ابوعلی. (۱۳۴۱). تاریخ بلعمی، ترجمه تاریخ طبری تألیف محمد بن طبری، تصحیح ملک الشعرای بهار، به کوشش محمد پروین، تهران: اداره کل وزارت فرهنگ.

جوانی، اصغر و کاظم نژاد، حبیب الله. (۱۳۹۵). «بررسی ویژگی های شمایل نگاری شیعه در نقاشی های قهوه خانه ای عصر قاجار»، شیعه شناسی، ش ۵۵، صص ۴۶-۲۷.

حسینی، مریم. (۱۳۸۶). «پری در شعر مولانا و دیدار با آنیما»، نشریه علوم انسانی الزهرا به شماره ۶۸-۶۹، صص ۲۱-۱.

خاقانی. (۱۳۷۲). دیوان، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران: زوار.

خزائلی، محمد. (۲۵۳۵). با ترجمه حاج سید هاشم رسول محلاتی، اعلام قرآن، تهران: امیرکبیر.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۳). امثال و حکم، تهران: امیرکبیر.

سرکاراتی، بهمن (۱۳۵۰) مقاله پری تحقیقی در حاشیه اسطوره شناسی تطبیقی، تبریز: دانشگاه تبریز.

سیف، هادی. (۱۳۸۷). «هنرهای تجسمی (پرونده نقاشی قهوه خانه و یا یاران»، آینه خیال، شماره ۱۰، صص ۲۱-۱۰.

شمیسا، سیروس. (۱۳۶۹). فرهنگ تلمیحات، تهران: فردوسی.

فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۶۶). احادیث مثنوی، تهران: امیرکبیر.

فرخی، سودابه و فهندری سعدی، غلامحسین. (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل آرایه تلمیح و ارائه تقسیم بندی آن بر مبنای ساخت بلاغی»، پژوهش های نظم و نثر فارسی، ش ۲، صص ۷۹-۴۱.

قمر، حیدر. (۱۳۸۶). «تسامح در تلمیح به داستان های حماسی و ملی در شعر فارسی»، فصلنامه علمی و پژوهشی علوم انسانی.

قوامی، بدریه. (۱۳۹۱). «تلقی هنری مولوی از قرآن و حدیث». فصلنامه علمی - پژوهشی، شماره ۱۲، سنج: دانشکده ادبیات فارسی دانشگاه آزاد.

قیس رازی، شمس الدین محمد. (۱۳۷۳). العجم فی معاییر اشعار العجم، به کوشش سیروس شمیسا. تهران: فردوس.

کریستینسن، ارتور. (۲۵۳۵). شاهنشاهی، آفرینش زیانکار در روایات ایرانی، ترجمه احمد طباطبایی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

محبوب، محمد جعفر. (۱۳۷۴). ادبیات عامیانه ایران. ۲ جلد، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: سرچشمه.

مولوی. (۱۳۶۳). کلیات شمس تبریزی، تصحیح فروزانفر، تهران: امیرکبیر.

محدثی، جواد. (۱۳۷۸). فرهنگ عاشورا. چ ۴، قم: نشر معروف.

نجف قلی، میرزا، دره نجفی در علم عروض، بدیع و قافیه، با تصحیح و تعلیقات و حواشی حسین آهی، تهران: فروغی.

نیسابوری المعروف بالمیلانی، ابی الفضل احمد. (۱۳۶۶). مجمع الامثال، مشهد: آستان قدس رضوی.

نیشابوری، ابواسحق ابراهیم. (۱۳۵۹). به اهتمام حبیب یغمایی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

همایی، جلال الدین. (۱۳۵۴). فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران.

یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۶۹). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: سروش.

یاسینی، راضیه. (۱۳۹۵). «سیر تطور شمایل نگاری اسلامی ایران از تنزیه تا تشبیه». نگره، ش ۳۸، صص ۲۱-۵.